

Wahhābi pirates from Oman.³ Aḥmad Zainī Daḥlān,⁴ one of the principal oriental sources for the history of this period, supplies little information for the events of this year, though of course other authorities not consulted by us may contain this information.

In 1803 A.D. Ghālib, Sharīf of Mecca (ruled 1788-1813 A.D.) evacuated the city which was then entered by Sa'ūd the Wahhābi. The latter however was unable to take Jedda, and withdrew from the Ḥijāz on receiving news of the murder of his father 'Abd al-'Azīz.⁵

Of the Sharīfs mentioned in our text, both Ghālib and Surūr were sons of Musā'id, and 'Abdullāh was the son of Surūr. Muḍāyifī is doubtless 'Uthmān al-Muḍāyifī, brother-in-law to Ghālib, mentioned by Aḥmad Zainī Daḥlān.⁶ The Pāsha of Damascus (or Syria) is probably Dǧazzār Pāsha [ob. 1219 H. (1804 A.D.)], and we think that his visits to the Ḥijāz must have been when escorting the Syrian Maḥmal at the time of the pilgrimage. The Sulṭān Aḥmad 'Abd al-Karīm of Aden is, of course, the 'Abdalī Sulṭān of Aden and Lahej.

This narrative, report, letter, or whatever it may be, is then an interesting incidental footnote to the history of Wahhābi activities in South Arabia in the opening years of the nineteenth century.

R. B. SERJEANT.
G. M. WICKENS.

NOTE

1. C. Rieu, *Brit. Mus. Cat. Pers. MSS.*, II 861 a., and in C. A. Storey, *Persian Literature* (London, 1936), II, p. 428.

2. For instance, the use of tenses, and *ba'd* governing with *eqāfeh* instead of with *az*, etc.

3. For the Wahhābi pirates of Ras al-Khaimah, see S. B. Miles, 'The Countries and Tribes of the Persian Gulf' (London, 1919), II, p. 444. Reference to the negotiations of the Wahhābi pirates with the Sulṭān of Lahej is made by Aḥmad Faḍl b. 'Alī Muḥsin al-'Abdalī, 'Ḥadīyat al-Zamān fī Akhbār Mulūk Laḥdjwa-'Adan' (Cairo, 1351 H.), p. 136, under the events of the year 1219 H.

4. 'Khulāṣat al-Kalām' (Cairo, 1888 A.D.).

5. For further information see the *Encyl. Islam*, Art. Mecca, p. 445 and (at present restricted) the Admiralty Handbook, *Western Arabia and the Red Sea*, BR 527 (1946), p. 266 f.

6. 'Khulāṣat al-Kalām,' *op. cit.*, p. 263.

حقیقت وهابی در سرزمین مکه و مدینه و بندر جدّه و زمین یمن این است

که در سنه ۱۲۱۸ هجری افواج وهابی طایف را محاصره نموده و شریف مکه شریف غالب مع افواج خود در طایف بود بعد وقوع جنگ در میان افواج وهابی و شریف غالب چند روز گذشت و قریب بود که افواج وهابی از محاصره طایف دست بردار شده برونشریف عبدالله پسر شریف سرور یعنی برادر زاده شریف غالب از طایف از عموی خود جدا شده بوقت شب بمکه روان شد چون اینخبر بشریف غالب رسید ترسید که مبادا شریف عبدالله پسر شریف سرور مکه را بر حد خود کند و در مکه خود متولی شود و حکومت شهر مکه خود بگیرد شریف غالب طایف را گذاشت و خانه سکونت خود را آتش زد و بمکه آمد افواج وهابی بدریافت اینمعنی در شهر طایف در آمدند و شهر لوت کردند و اهل شهر را بقتل رسانیدند و اکثر خانها را آتش زدند و قبر عبدالله ابن عباس که عموزاده پیغمبر محمد صلی الله علیه و آله و سلم در طایف است آنرا شکسته اند و مضایفی که برادر زن شریف غالب بود و او را پیش از دو سال شریف غالب نزد وهابی فرستاده بود هرگاه نزد وهابی رسید وهابی شد و با وهابی مرافقت کرد الحال که افواج وهابی داخل طایف شدند مضایفی سردار افواج وهابی شده داخل طایف شد و بعد از آن آنکه در سنه ۱۲۱۸ هجری سعود وهابی داخل مکه گردید مضایفی همراهش بود بعد سعود وهابی از مکه بجدّه آمد و محاصره جدّه نه روز کرد شریف غالب و باشه جدّه هر دو بالاتفاق با سعود وهابی از اندرون پناه شهر جنگ^۱ کردند هرگاه خبر مردن عبدالعزیز پدر سعود وهابی به سعود وهابی از درعیه رسید از محاصره جدّه دست بردار شده بدرعیه روان شد و در آخر سنه ۱۲۱۸ هجری افواج وهابی برای گرفتن مدینه منوره آمده بودند چون نتوانستند که بگیرند بیرون شهر مدینه بفاصله چهار میل که قبر امیر حمزه عموی پیغمبر است آنرا شکستند و هرگاه باشه شام بمدینه رسید افواج وهابی نزد باشه شام آمده طلب خزانة و ستور کنند زکاة را ازو طلبیدند باشه انها را چیزی نداد و چند مردم قریب هشتاد کس از آنها بقید زنجیر تا بمکه آورده بود و بعد مراجعت بمدینه انها را گذاشت و در سر زمین یمن خبت البقر جایست که بساحل نزدیک از مدینت حدیده وهابی شدند شخصی از مردم شحر که سوداگری میکرد و چند کشتی دارد از شحر آمده در خبت البقر^۲ لنگر^۳ کرد وهابی شد و کشتی هاوی در دریا قطاع الطريق میکنند در سنه ۱۲۱۸ هجری مردم خبت البقر جمع شده بر سر شریف ابو عریش آمده اورا گرفتند هر چند شریف ابو عریش طلب کمک از امام صنعا درخواست نمود امام صنعا هیچ کمک ا و نکرد چون مردم خبت البقر ابو عریش را گرفتند شریف ابو عریش هم وهابی شده با مردم خبت البقر متفق

34 a

34 b